



مفاهیم بنیادین در اندیشه سیاسی و نظم بین‌المللی

سید هادی زکی‌نژاد

پاییز 1404

در عصر حاضر که جهان با تحولات سریع و پیچیده‌ای در عرصه سیاست بین‌الملل مواجه است، درک صحیح و عمیق از مفاهیم بنیادین اندیشه سیاسی و نظم بین‌المللی به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. در این بستر، قرآن کریم با آیه شریفه «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات/13) چارچوبی بنیادین برای فهم نظم عادلانه بین‌المللی ارائه می‌دهد که بر تنوع ملل و قبایل به‌منظور تعارف و تعامل سازنده تأکید دارد، نه بر تسلط یک ملت بر دیگران. تغییرات پی‌درپی در ساختار قدرت‌ها، پیدایش بازیگران جدید، بحران‌های متعدد منطقه‌ای و جهانی، و همچنین تحولات فناورانه و فرهنگی همگی بر شکل‌گیری نظم بین‌المللی تأثیرگذار بوده‌اند. یکی از چالش‌های اساسی در جهان اسلام، فقدان نظریه‌پردازی اصیل در حوزه نظم بین‌الملل است. متأسفانه، اکثر مطالعات به ترجمه و تکرار نظریات غربی بسنده می‌کنند که عمق تحلیلی لازم را ندارند. در چنین فضایی، فهم دقیق مبانی نظری و مفهومی که زیربنای روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند، کلید گشایش راه به‌سوی تحلیل‌های جامع و واقع‌بینانه است. نظم بین‌المللی به‌عنوان نظامی از قواعد، نهادها و روابط میان دولت‌ها و دیگر بازیگران جهانی، شکل‌دهنده نحوه تعامل و همکاری یا رقابت آنان است. اندیشه سیاسی اسلامی با تکیه بر منابع اصیل دینی، ظرفیت‌های عظیمی برای نظریه‌پردازی در حوزه نظم بین‌المللی دارد که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این نظم بر اساس مجموعه‌ای از اصول و قواعد شکل می‌گیرد که اغلب ریشه در اندیشه‌های سیاسی و نظریات مربوط به قدرت، عدالت، امنیت و همکاری دارند. امام خمینی(ره) در تبیین رابطه اسلام و سیاست تأکید می‌کند که اسلام دین مبارزه با ستمگران و حمایت از مستضعفان است، که این رویکرد مبنایی قوی برای نقد نظم بین‌المللی موجود فراهم می‌آورد. به همین دلیل، مطالعه و بررسی اندیشه‌های سیاسی، اعم از نظریه‌های کلاسیک و معاصر، بدون توجه به تأثیرات و بازتاب‌های آن‌ها در عرصه نظم بین‌المللی، ناقص و محدود خواهد بود. خواجه‌نصیرالدین طوسی در «اخلاق ناصری» با طرح نظریه جامعه مطلوب و ضرورت تعامل عادلانه میان جوامع، زمینه‌های فکری مهمی برای اندیشیدن درباره نظم بین‌المللی اسلامی ارائه داده است. از سوی دیگر، اندیشه‌های سیاسی هنگامی که به عرصه عمل و روابط بین‌المللی وارد می‌شوند، وجهی ملموس‌تر و

کاربردی‌تر پیدا می‌کنند. نظریه‌های مختلفی که درباره قدرت، حاکمیت، امنیت، و حقوق بین‌الملل ارائه شده‌اند، مستقیم بر شکل‌گیری سیاست‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و ساختارهای نهادهای بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. بنابراین، شناخت دقیق این اندیشه‌ها و نحوه تجلی آن‌ها در نظم جهانی، به فهم بهتر چالش‌ها، فرصت‌ها و راه‌کارهای مدیریت بحران‌ها و تحولات جهانی کمک می‌کند. این فصل به‌عنوان نقطه آغازین پژوهش حاضر، تلاش می‌کند تا چارچوبی مفهومی و نظری فراهم آورد که بتواند زمینه‌ساز درک عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر روابط متقابل میان اندیشه‌های سیاسی و نظم بین‌المللی باشد. این چارچوب به‌جای تکیه صرف بر نظریات غربی، از منابع اصیل اسلامی همچون قرآن کریم و اندیشه متفکران برجسته مسلمان بهره می‌برد. همچنین هدف این است که نشان دهد چگونه این دو حوزه نه به‌صورت مجزا، بلکه به‌صورت پیوسته و تأثیرگذار بر یکدیگر عمل می‌کنند و فهم یکی بدون توجه به دیگری، تصویر کاملی از واقعیت‌های سیاسی جهان ارائه نخواهد داد. درنهایت، این فصل بر اهمیت تلفیق نظریه و عمل در مطالعات بین‌الملل تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که تحلیل مسائل پیچیده جهانی، نیازمند نگرشی است که هم به عمق فلسفی و نظری اندیشه‌های سیاسی توجه داشته باشد و هم به الزام‌ها و شرایط واقعی نظام بین‌المللی. این رویکرد چندجانبه و تلفیقی که بر مبانی اسلامی استوار است، کلید عبور از تحلیل‌های سطحی و جزئی به سمت درک جامع و کاربردی از تحولات سیاسی و نظم جهانی محسوب می‌شود.¹

کلید واژه: اندیشه سیاسی، نظم بین‌المللی، حکمت، عدالت، شجاعت.

¹ سید صدرالدین موسوی، نورالله قیصری، مجید مطلبی نژاد (1389). تبیین نظم بین‌الملل موجود و نظم بین‌الملل مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

چکیده

لئو اشتراوس، یکی از برجسته‌ترین منتقدان معاصر اندیشه سیاسی مدرن، اندیشه سیاسی را عبارت از تلاش برای دانستن درباره ماهیت امور سیاسی و نظم سیاسی عادلانه تعریف می‌کند. از نظر او، اندیشه سیاسی در جستجوی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه انسان‌ها باید با یکدیگر زندگی کنند تا بتوانند به کمال انسانی دست یابند.

اندیشه سیاسی در حیات جوامع انسانی نقشی حیاتی و چندوجهی ایفا می‌کند که می‌توان آن را در قالب چند کارکرد اصلی دسته‌بندی کرد. از منظر اندیشه اسلامی، این کارکردها ماهیتی متمایز پیدا می‌کنند که آن‌ها را از نظریات سکولار متمایز می‌سازد.

از منظر اندیشه اسلامی، نظم بین‌المللی تعریف جامع‌تر و عمیق‌تری دارد: «سامانه‌ای از روابط میان جوامع انسانی که بر اساس اصول عدالت، حکمت و مصلحت عمومی شکل گرفته و هدف آن تحقق خلافت انسان در زمین و عمارت عالم است». این تعریف بر چند اصل بنیادی استوار است که شامل وحدت نوع انسان (قرآن کریم می‌فرماید «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» - انبیا/92)، تنوع در وحدت آیه (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا)، عدالت به‌عنوان محور (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - حدید/ 25) و مسئولیت جمعی است که همه انسان‌ها در قبال یکدیگر مسئولیت دارند.

تعریف اندیشه سیاسی

مفهوم‌شناسی اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی به‌مثابه یکی از شاخه‌های بنیادین علوم سیاسی، مجموعه‌ای از تأملات، نظریه‌ها، و تفسیرهای منسجم درباره ماهیت قدرت، حکومت، جامعه سیاسی، عدالت، آزادی، و سایر مفاهیم کلیدی حیات سیاسی انسان را شامل می‌شود. از منظر اندیشه اسلامی، اندیشه سیاسی فراتر از تأملات صرف فلسفی، دارای بُعد الهی و ارزشی است که انسان را به‌عنوان خلیفه‌الله فی‌الارض در نظر می‌گیرد. این حوزه از مطالعه، نه تنها به بررسی آنچه هست می‌پردازد، بلکه آنچه باید باشد را نیز مورد کاوش قرار می‌دهد. در قرآن کریم، انسان موجودی است که هم مسئولیت فردی دارد و هم مأموریت اجتماعی و سیاسی. آیه شریفه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/110) مأموریت امر به معروف و نهی از منکر را به‌عنوان وظیفه اجتماعی-سیاسی مسلمانان مطرح می‌کند که نشان‌دهنده ماهیت ذاتی سیاسی اسلام است. از منظر تاریخی، اندیشه سیاسی ریشه در تأملات فلسفی بزرگان اندیشه بشری چون افلاطون، ارسطو، آگوستین، آکویناس، ماکیاولی، هابز، لاک، روسو، کانت، هگل، مارکس، و معاصران آن‌ها دارد. اما این رویکرد غرب محور، سنت غنی اندیشه سیاسی اسلامی را نادیده می‌گیرد که با پیامبر اسلام (ص) آغاز شده و توسط امیرمؤمنان علی (ع) و متفکرانی همچون فارابی، خواجه نصیر طوسی، و ابن خلدون توسعه یافته است. این متفکران با طرح پرسش‌های بنیادین درباره چگونگی سازمان‌دهی جامعه سیاسی، مشروعیت قدرت، حدود اختیارات حکومت، و روابط میان فرد و جامعه، بنیان‌های نظری اندیشه سیاسی را بنا نهاده‌اند. اندیشه سیاسی اسلامی بر پایه چهار رکن اساسی استوار است: توحید سیاسی که به معنای پذیرش حاکمیت نهایی خداوند و رد هرگونه طاغوت سیاسی است؛ عدالت که محوری‌ترین مفهوم اندیشه سیاسی اسلامی بوده و در قرآن کریم با تأکید بر «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/25) بیان شده؛ شورا و مشارکت که در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری/38) به‌عنوان روش تصمیم‌گیری اجتماعی مطرح شده؛ و مسئولیت جهانی که مسلمانان را مسئول عدالت‌خواهی در سطح جهانی می‌داند.

لئو اشتراوس، یکی از برجسته‌ترین منتقدان معاصر اندیشه سیاسی مدرن، اندیشه سیاسی را عبارت از تلاش برای دانستن درباره ماهیت امور سیاسی و نظم سیاسی عادلانه تعریف می‌کند. از نظر او، اندیشه سیاسی در جستجوی پاسخ به این پرسش اساسی است که چگونه انسان‌ها باید با یکدیگر زندگی کنند تا بتوانند به کمال انسانی دست یابند. اما این تعریف، هرچند جامع، محدود به چارچوب معرفت‌شناختی غربی است که از منابع وحیانی غفلت می‌کند، درحالی‌که اندیشه اسلامی وحی و عقل را مکمل یکدیگر می‌داند.²

عناصر تشکیل‌دهنده اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی به‌عنوان مجموعه‌ای پیچیده و چندبعدی، از عناصر اساسی و درهم‌تنیده‌ای تشکیل شده است که هر یک نقشی کلیدی در شکل‌دهی و تحلیل پدیده‌های سیاسی ایفا می‌کنند. از منظر اندیشه اسلامی، این عناصر بر مبنای تعالیم قرآن و سنت شکل می‌گیرند و ساختاری چهارگانه دارند که هر عنصر آن بر اساس آموزه‌های دینی استوار است.

نخستین و بنیادی‌ترین این عناصر، بُعد توصیفی است که وظیفه تحلیل و توصیف واقعیت‌های موجود سیاسی را بر عهده دارد. از منظر اسلامی، این بُعد به «قرائت واقعیت» بر اساس آموزه‌های قرآنی می‌پردازد. قرآن کریم انسان را موجودی می‌داند که هم ظرفیت خیر دارد و هم امکان شر، چنانکه در آیه «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس/8) بیان شده است. در این سطح، متفکر سیاسی به مطالعه روابط قدرت، ساختارهای سیاسی، نهادها و فرآیندهای سیاسی موجود می‌پردازد و تلاش می‌کند آن‌ها را چنان که هستند، نه چنان که باید باشند، مورد بررسی قرار دهد. این رویکرد به‌نوعی تأکید بر واقع‌گرایی سیاسی داشته و زمینه‌ای برای شناخت دقیق‌تر جهان سیاست فراهم می‌آورد.

در کنار این بُعد توصیفی، عنصر تجویزی قرار دارد که هدف آن ارائه راهکارها و الگوهایی برای بهبود وضعیت سیاسی است. این جنبه در اندیشه اسلامی «عنصر هنجاری-تجویزی» نامیده می‌شود که بر اساس احکام

² جواد ساغری، سوسن صفاوردی، احمد بخشایشی اردستانی، محمدرضا حاتمی (1401). مفهوم‌شناسی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، 6، 1983-2004.

الهی و اصول شریعت، چارچوبی برای «آنچه باید باشد» ارائه می‌دهد. امام خمینی(ره) در این زمینه تأکید می‌کند که اسلام برنامه کاملی برای زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد. این جنبه از اندیشه سیاسی بر پایه ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اخلاقی شکل می‌گیرد و متفکران سیاسی در این حوزه با ارائه نسخه‌های مطلوب، به دنبال جهت‌دهی به نظم سیاسی و ارتقای آن هستند.

عنصر انتقادی یکی دیگر از وجوه مهم اندیشه سیاسی است که به نقد و ارزیابی نظام‌ها و ساختارهای سیاسی موجود می‌پردازد. در اندیشه اسلامی، این عنصر بر اساس معیار عدالت الهی، نظام‌های ظالمانه را نقد می‌کند. قرآن کریم در آیات متعددی بر مبارزه با فرعون و طاغوت‌ها تأکید دارد که مبنای نقد نظم‌های ستمگر را فراهم می‌آورد. این رویکرد تلاش می‌کند تناقضات، ناکارآمدی‌ها و مشکلات پنهان در درون ساختارهای سیاسی را آشکار سازد و از این طریق زمینه را برای تغییر و اصلاح فراهم کند.

درنهایت، عنصر تفسیری، بُعدی است که اندیشه سیاسی را به عرصه فهم و تفسیر پدیده‌ها، متون و رویدادهای سیاسی می‌کشاند. این عنصر در اندیشه اسلامی «عنصر تفسیری- حکمی» نامیده می‌شود که با بهره‌گیری از منابع اجتهادی، متون و رویدادها را در بستر آموزه‌های اسلامی تفسیر می‌کند. این بُعد فراتر از برداشت ظاهری می‌رود و به کشف معانی ضمنی، لایه‌های پنهان و زمینه‌های فرهنگی و تاریخی پدیده‌های سیاسی توجه دارد.

به‌طورکلی، این چهار عنصر توصیفی، تجویزی، انتقادی و تفسیری به‌گونه‌ای درهم‌تنیده و مکمل یکدیگر عمل می‌کنند تا فهم جامع و همه‌جانبه‌ای از اندیشه سیاسی و تأثیر آن بر نظم‌های بین‌المللی و داخلی به دست دهند. این تعامل در آثار علمای بزرگ اسلامی همچون خواجه نصیر طوسی به‌وضوح مشاهده می‌شود که در «اخلاق ناصری» ضمن توصیف وضعیت جوامع انسانی، معیارهای عدالت را مطرح کرده و راه‌های رسیدن به جامعه مطلوب را نشان داده است.³

³ دکتر اصغر منتظر قائم، کامبیز تقی‌زاده، مرضیه بیگی‌زاده (1393-1394). عناصر تشکیل‌دهنده گفتمان سیاسی امام خمینی(ره). اندیشه سیاسی در اسلام، 2-3، 51.

رویکردهای مختلف به اندیشه سیاسی

در مطالعه اندیشه سیاسی، رویکردهای مختلفی وجود دارد که هر یک به جنبه‌ای خاص از این حوزه پیچیده و چندوجهی توجه می‌کنند و دیدگاه‌های متنوعی را برای فهم بهتر و جامع‌تر اندیشه‌های سیاسی فراهم می‌آورند. اما، این رویکردهای مرسوم، بیشتر با نگاه غرب‌محورانه شکل گرفته‌اند و از غنای سنت‌های فکری دیگر تمدن‌ها، به‌ویژه تمدن اسلامی غفلت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین این رویکردها، رویکرد تاریخی است که بر بررسی تحول اندیشه‌های سیاسی در طول زمان تأکید دارد. این رویکرد که توسط مکتب کمبریج و متفکرانی همچون کوئنتین اسکینر پیگیری شده، تحول اندیشه سیاسی را محدود به سیر تاریخی غرب می‌داند و از سنت‌های غنی اسلامی، چینی، هندی و سایر تمدن‌ها غفلت می‌کند. این دیدگاه، با توجه به بستر تاریخی زندگی و آثار متفکران بزرگ، تلاش می‌کند روند تکامل مفاهیم و نظریه‌های سیاسی را از گذشته تا به امروز دنبال کند. به‌عنوان نمونه، مکتب تاریخ اندیشه سیاسی کمبریج با حضور متفکرانی مانند کوئنتین اسکینر و جان پاکاک، به‌عنوان نمایندگان برجسته این رویکرد شناخته می‌شوند که با تحلیل تاریخی دقیق، فهم عمیق‌تری از زمینه‌ها و تحولات نظریه‌های سیاسی ارائه داده‌اند.

رویکرد فلسفی، وجه دیگری از مطالعات اندیشه سیاسی را تشکیل می‌دهد که بر مبانی فلسفی نظریه‌ها و تحلیل منطقی درونی آن‌ها تمرکز دارد. این رویکرد را «رد فلسفی سکولار» می‌توان نامید که اندیشه سیاسی را محدود به عقلانیت سکولار می‌کند و منابع وحیانی را نادیده می‌گیرد. این رویکرد به کاوش در پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اندیشه‌های سیاسی می‌پردازد و با استفاده از ابزارهای فلسفی به تبیین و نقد مفاهیم کلیدی مانند عدالت، آزادی، و قدرت می‌پردازد. آثار جان رالز در زمینه نظریه عدالت و نیز اندیشه‌های رابرت نوزیک در حوزه لیبرالیسم و آزادی فردی نمونه‌های بارزی از این رویکرد فلسفی محسوب می‌شوند که تأثیر عمیقی بر فهم نظریه‌های سیاسی معاصر گذاشته‌اند.

رویکرد مقایسه‌ای، رویکردی است که با هدف شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های میان سنت‌ها و نظریه‌های مختلف سیاسی به بررسی تطبیقی می‌پردازد. اما این رویکرد اغلب به «مقایسه سطحی» محدود می‌شود که به‌جای درک عمیق مبانی، فقط به مقایسه ظاهری مفاهیم بسنده می‌کند. این رویکرد زمینه مناسبی برای تحلیل تأثیرات متقابل اندیشه‌های سیاسی در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف فراهم می‌آورد و به درک بهتر پیچیدگی‌ها و تنوع دیدگاه‌ها کمک می‌کند. مطالعه مقایسه‌ای اندیشه‌های سیاسی شرق و غرب یا بررسی تطبیقی لیبرالیسم و سوسیالیسم، نمونه‌های بارزی از این روش پژوهشی هستند.

سرانجام، رویکرد زمینه‌ای، بر اهمیت شرایط و بسترهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی تأکید دارد. این دیدگاه معتقد است که هیچ اندیشه سیاسی را نمی‌توان به‌صورت جداگانه و مستقل از زمینه تاریخی و اجتماعی‌اش فهمید، زیرا این عوامل نقشی اساسی در تعیین شکل و محتوای نظریات سیاسی ایفا می‌کنند.

در مقابل این رویکردهای محدود، رویکرد اسلامی مبتنی بر اصول جامع‌تری است: رویکرد توحیدی که همه ابعاد زندگی انسان را در چارچوب توحید بررسی می‌کند؛ رویکرد تاریخی جامع که سیر اندیشه سیاسی را از آدم تا خاتم پیامبران پیگیری می‌کند؛ و رویکرد مقایسه‌ای عمیق که بر اساس معیارهای ارزشی اسلامی، سنت‌های مختلف را ارزیابی می‌کند.⁴

کارکردهای اندیشه سیاسی

اندیشه سیاسی در حیات جوامع انسانی نقشی حیاتی و چندوجهی ایفا می‌کند که می‌توان آن را در قالب چند کارکرد اصلی دسته‌بندی کرد. از منظر اندیشه اسلامی، این کارکردها ماهیتی متمایز پیدا می‌کنند که آن‌ها را از نظریات سکولار متمایز می‌سازد.

⁴ عارف وفايي، محمد رسول حسن‌يار (1398). رویکردهای مختلف روشی در مطالعات سیاسی اسلام. پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی،

نخستین و بنیادین‌ترین کارکرد اندیشه سیاسی، کارکرد تبیینی آن است. از این منظر، اندیشه سیاسی به توضیح و تحلیل پدیده‌های سیاسی می‌پردازد و روابط علی میان متغیرها و عوامل مؤثر در سیاست را کشف می‌کند.

در اندیشه اسلامی، این کارکرد «کارکرد هدایتی» نام دارد که بر اساس آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ» (فتح/28)، اندیشه سیاسی اسلامی وظیفه هدایت جامعه به سوی حقیقت را دارد. به عبارت دیگر، این کارکرد چارچوب‌های مفهومی و نظری را فراهم می‌آورد که به فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر واقعیت‌های سیاسی کمک می‌کند. نظریه‌های مرتبط با دولت، دموکراسی، قدرت و مشروعیت نمونه‌های شاخصی هستند که در قالب این کارکرد شکل می‌گیرند و مبنای تحلیل‌های سیاسی قرار می‌گیرند.

کارکرد دوم، کارکرد مشروعیت بخشی است که اندیشه سیاسی به‌عنوان ابزاری مهم در توجیه یا نقد نظام‌های سیاسی موجود عمل می‌کند. در چارچوب اسلامی، این کارکرد «کارکرد عدالت محوری» نامیده می‌شود که با تکیه بر اصل عدالت الهی، نظام‌های سیاسی را بر مبنای میزان تحقق عدالت ارزیابی می‌کند. این کارکرد می‌تواند به صورت حمایت از وضع موجود و تثبیت آن ظهور یابد یا بالعکس، با ارائه نقدهای عمیق و فراخوان به تغییر، به بیدارسازی و تغییرات سیاسی کمک کند. از این رو، اندیشه سیاسی نقشی دوگانه دارد که می‌تواند هم حافظ ثبات و هم محرک تحول در جوامع باشد.

سومین کارکرد، کارکرد راهنمایی عمل است. اندیشه سیاسی فقط به فهم نظری محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان راهنمایی عملی برای کنشگران سیاسی عمل می‌کند. این کارکرد در اندیشه اسلامی «کارکرد سازندگی» نامیده می‌شود که الگوهای جامعه مطلوب را بر اساس تجربه مدینه پیامبر(ص) و حکومت علوی ارائه می‌دهد. ایدئولوژی‌های سیاسی، برنامه‌های احزاب، سیاست‌های دولت‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی همگی متأثر از مجموعه‌ای از اندیشه‌های سیاسی خاص هستند که چارچوبی برای تعیین اهداف، روش‌ها و مسیر حرکت سیاسی فراهم می‌کنند.

در نهایت، کارکرد انتقادی اندیشه سیاسی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در اندیشه اسلامی، این کارکرد «کارکرد مقاومتی» نام دارد که بر اساس فرمان قرآنی «لَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود/113)، در برابر نظام‌های ظالم موضع می‌گیرد. این بُعد، اندیشه سیاسی را به ابزاری قدرتمند برای نقد ساختارها، فرآیندها و نهادهای سیاسی موجود تبدیل می‌کند. از طریق این کارکرد، تناقضات، ناکارآمدی‌ها و ناعدالتی‌ها در نظام‌های سیاسی آشکار می‌شود و به ارائه راه‌حل‌های بدیل و اصلاحات احتمالی کمک می‌کند.

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه کارکرد اندیشه سیاسی را چنین بیان می‌کند: «العدل اساس الملك» - عدالت اساس حکومت است. این بیان نشان می‌دهد که اندیشه سیاسی اسلامی نه فقط تئوریک، بلکه عملی و کاربردی است. به‌طور خلاصه، کارکردهای تبیینی، مشروعیت بخشی، راهنمایی عمل و انتقادی اندیشه سیاسی در کنار یکدیگر نقش محوری در شکل‌دهی، پایداری و تحول نظام‌های سیاسی ایفا می‌کنند و به فهم عمیق‌تر و کاربردی‌تر سیاست و روابط قدرت کمک می‌کنند.⁵

اندیشه سیاسی در عصر جهانی شدن

در عصر جهانی شدن، اندیشه سیاسی با چالش‌ها و فرصت‌های جدیدی مواجه شده است. جهانی شدن به شکل کنونی، پروژه‌ای غربی-محور است که بر اساس ارزش‌های لیبرال سرمایه‌داری شکل گرفته و نه تنها به تنوع فرهنگی احترام نمی‌گذارد، بلکه به دنبال یکسان‌سازی جهان بر مبنای الگوی غربی است. جهانی شدن نه تنها مرزهای جغرافیایی را محو کرده، بلکه مرزهای مفهومی سنتی اندیشه سیاسی را نیز به چالش کشیده است. مفاهیمی چون حاکمیت، مشروعیت، شهروندی، و دموکراسی در بستر جهانی شده، معانی و ابعاد جدیدی پیدا کرده‌اند.

ظهور بازیگران فراملی مانند شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های بین‌المللی، و شبکه‌های اجتماعی جهانی، اندیشه سیاسی سنتی که بر مفهوم دولت-ملت متمرکز بود را دستخوش تحول عمیق کرده است. اکنون

⁵ محمدعلی نجفی (1402). کارکردهای سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی. مشرق موعود، 69، 109-132.

متفکران سیاسی باید چگونگی حکمرانی در سطح جهانی، مسئولیت جهانی، عدالت جهانی، و دموکراسی فراملی را مورد کاوش قرار دهند.

اندیشه سیاسی اسلامی در مقابل این روند، الگوی «جهانی‌شدن عادلانه» را مطرح می‌کند که مبتنی بر اصول احترام به تنوع (بر اساس آیه «لِتَعَارَفُوا»، تنوع ملت‌ها و فرهنگ‌ها را از سنن الهی می‌داند)، عدالت اقتصادی (بر اساس احکام اسلامی در زمینه منع ربا، زکات و عدالت توزیعی)، حاکمیت مردمی (که مردم هر سرزمین حق تعیین سرنوشت خود را دارند) و مقاومت در برابر هژمونی (که هیچ قدرتی حق تحمیل اراده خود بر دیگران را ندارد) استوار است.

همچنین، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، فضای جدیدی برای تعامل سیاسی و شکل‌گیری افکار عمومی فراهم کرده‌اند که اندیشه سیاسی کلاسیک آن را پیش‌بینی نکرده بود. مفاهیمی چون فضای مجازی، شهروندی دیجیتال، و دموکراسی الکترونیک، اکنون بخش‌های جدایی‌ناپذیری از اندیشه سیاسی معاصر محسوب می‌شوند. این رویکرد در اندیشه امام خمینی (ره) تحت عنوان «صدور انقلاب» مطرح شده که نه به معنای صدور نظامی، بلکه صدور ارزش‌ها و الگوهای عدالت‌خواهانه است.⁶

به‌عنوان نمونه، بحران اوکراین و جنگ غزه نشان داد که نظم موجود بین‌المللی قادر به تأمین عدالت برای همه ملت‌ها نیست و ضرورت بازنگری در مبانی این نظم احساس می‌شود.⁷

⁶ محمد توحیدفام (1382). دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن: سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر غرب (نظریه‌های دولت و ...). روزنه.

⁷ خدابخشی؛ حسن‌خانی. (2023). ماهیت‌یابی جنگ روسیه و اوکراین از منظر رئالیسم تدافعی. مطالعات سیاسی، 61(16)، 55-82.

مفهوم نظم بین‌المللی

تعریف و مفهوم‌شناسی نظم بین‌المللی

نظم بین‌المللی یکی از مفاهیم محوری در مطالعات روابط بین‌الملل محسوب می‌شود که طیف وسیعی از تعاریف و تفسیرها را در بر می‌گیرد. تعاریف مرسوم غربی نظم بین‌المللی، اگرچه جنبه‌هایی از واقعیت را منعکس می‌کنند، اما دارای محدودیت‌هایی هستند که ریشه در مبانی فکری غربی دارد. در ساده‌ترین تعریف، نظم بین‌المللی عبارت است از الگوی کلی روابط و تعاملات میان واحدهای سیاسی مستقل در عرصه جهانی که بر اساس قواعد، نرم‌ها، و سازوکارهای مشخص سازمان‌دهی شده است.

هدلی بول، نظریه‌پرداز برجسته مکتب انگلیسی روابط بین‌الملل، نظم بین‌المللی را الگوی فعالیت‌هایی تعریف می‌کند که اهداف بنیادین زندگی اجتماعی را حمایت می‌کند. از نظر او، نظم بین‌المللی زمانی وجود دارد که دولت‌ها در تعاملات خود، حداقل سه هدف مشترک را دنبال کنند: حفظ خود نظام دولت‌ها، حفظ استقلال یا حاکمیت خارجی آن‌ها، و حفظ صلح میان آن‌ها. رابرت کئوئن، از منظر نئولیبرال، نظم بین‌المللی را شامل مجموعه‌ای از قوانین رسمی و غیررسمی تعریف می‌نماید که رفتار بازیگران بین‌المللی را هدایت می‌کند.

از منظر اندیشه اسلامی، نظم بین‌المللی تعریف جامع‌تر و عمیق‌تری دارد: «سامانه‌ای از روابط میان جوامع انسانی که بر اساس اصول عدالت، حکمت و مصلحت عمومی شکل گرفته و هدف آن تحقق خلافت انسان در زمین و عمارت عالم است». این تعریف بر چند اصل بنیادی استوار است که شامل وحدت نوع انسان (قرآن کریم می‌فرماید «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً» - انبیا/92)، تنوع در وحدت آیه (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا)، عدالت به‌عنوان محور (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ - حدید/25) و مسئولیت جمعی است که همه انسان‌ها در قبال یکدیگر مسئولیت دارند.⁸

⁸ سیدمحمد هادی موسوی. 1402. الگوی گروه بریکس برای تغییر نظم بین‌المللی «نظم اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دوران گذر». دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

خواج‌نصیرالدین طوسی در «اخلاق ناصری» نظم بین‌الملل را «سیاست مدنیه عظمی» نامیده و آن را شامل روابط میان شهرها و کشورها می‌داند که باید بر اساس حکمت و عدالت اداره شود.

انواع نظم بین‌المللی

نظم بین‌المللی به‌عنوان چارچوبی کلی و سامانمند برای تنظیم روابط میان بازیگران مختلف در عرصه جهانی، انواع و اشکال گوناگونی دارد که بر اساس معیارهای مختلفی طبقه‌بندی می‌شود. طبقه‌بندی‌های مرسوم غربی نظم بین‌المللی، اعم از تک‌قطبی، دوقطبی و چندقطبی، بر مبنای توزیع قدرت مادی استوار هستند و از ابعاد ارزشی و معنوی غفلت می‌کنند.

یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین شیوه‌های دسته‌بندی نظم‌های بین‌المللی، بر اساس توزیع قدرت میان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل است. در این چارچوب، نظم‌های بین‌المللی را می‌توان به سه نوع عمده تقسیم کرد: نظم تک‌قطبی، نظم دوقطبی و نظم چندقطبی.

نظم تک‌قطبی به نظامی اطلاق می‌شود که در آن، یک قدرت بزرگ یا ابرقدرت به‌طور انحصاری هژمونی و تسلط بر ساختار کلی نظام بین‌المللی را در اختیار دارد. این نوع نظم معمولاً پس از دوره‌های تنش و جنگ‌های جهانی شکل می‌گیرد و قدرت مرکزی با توانمندی اقتصادی، نظامی و سیاسی گسترده، نقش رهبری را بر عهده می‌گیرد.

در مقابل، نظم دوقطبی حالتی است که در آن دو ابرقدرت اصلی و غالب وجود دارند که سیستم بین‌المللی را میان خود تقسیم کرده‌اند و هژمونی و نفوذ برابر یا نسبی بر نظام جهانی دارند. نوع سوم، نظم چندقطبی است که در آن چندین قدرت بزرگ وجود دارند و هیچ‌یک از آن‌ها تسلط کامل بر سیستم بین‌المللی ندارند.

از منظر اسلامی، نظم‌های بین‌المللی را می‌توان بر اساس معیارهای عمیق‌تری طبقه‌بندی کرد: بر اساس مبنای مشروعیت (نظم توحیدی که بر اساس اصول الهی و عدالت شکل گرفته، نظم طاغوتی که بر مبنای سلطه و زور استوار است، و نظم مختلط که ترکیبی از عناصر عادلانه و ناعادلانه دارد)؛ بر اساس روش حکمرانی (نظم شورایی که بر مبنای مشورت و مشارکت همگانی است و نظم استبدادی که بر اساس انحصار

قدرت شکل می‌گیرد؛ و بر اساس هدف (نظم عدالت محور که هدف آن تحقق عدالت جهانی است و نظم سلطه‌گر که هدف آن حفظ منافع قدرت‌های مسلط است).

علاوه بر طبقه‌بندی بر اساس توزیع قدرت، نظم بین‌المللی را می‌توان از نظر ماهیت و چگونگی شکل‌گیری آن نیز به دو دسته نظم طبیعی و نظم مصنوعی تقسیم کرد. نظم طبیعی به‌نوعی نظم گفته می‌شود که بدون برنامه‌ریزی یا طراحی آگاهانه شکل گرفته است و بر اساس توزیع طبیعی قدرت و تعادل نیروها در نظام بین‌الملل ایجاد می‌شود. در نقطه مقابل، نظم مصنوعی به‌نوعی اشاره دارد که نتیجه تلاش آگاهانه و طراحی شده بازیگران قدرتمند برای ایجاد ساختاری منظم، قابل کنترل و مطلوب در نظام بین‌الملل است. امام خمینی(ره) نظم موجود بین‌المللی را «نظم شیطانی» خوانده که بر پایه استکبار و استثمار بنا شده و در مقابل، «نظم اسلامی» را مطرح کرده که مبتنی بر عدالت و آزادی است. از دیدگاه دیگری، نظم بین‌المللی را می‌توان بر اساس نوع حکمرانی و مدیریت آن نیز طبقه‌بندی کرد که شامل نظم هژمونیک، نظم کنسرت و نظم نهادی می‌شود.⁹

مؤلفه‌های نظم بین‌المللی

نظم بین‌المللی از عوامل مختلفی تشکیل شده است. هر یک از این عوامل نقش مهمی در ثبات و عملکرد نظام جهانی دارند. مؤلفه‌های نظم بین‌المللی از منظر اسلامی، فراتر از چارچوب‌های مادی‌گرایانه غرب است و شامل ابعاد معنوی و ارزشی می‌شود.

نخستین و مهم‌ترین مؤلفه، ساختار قدرت است که به توزیع قدرت میان بازیگران مختلف بین‌المللی اشاره دارد. در کنار این مؤلفه مادی، مؤلفه اعتقادی نیز وجود دارد که شامل باورها و ارزش‌های بنیادین جوامع است. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/11) که نشان‌دهنده اهمیت تحول درونی است. این ساختار تعیین می‌کند کدام کشورها یا بازیگران قادر به تأثیرگذاری بر قوانین، هنجارها و تصمیمات کلان نظام جهانی هستند و کدام یک موظف به پیروی و پذیرش آن‌ها هستند.

⁹ سید صدرالدین موسوی، نورالله قیصری، مجید مطلبی نژاد (1389). تبیین نظم بین‌الملل موجود و نظم بین‌الملل مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.

مؤلفه بعدی، نهادها و رژیم‌های بین‌المللی هستند که نقش واسطه‌ها و مجریان نظم را ایفا می‌کنند. بر اساس اندیشه اسلامی، مؤلفه حقوقی نظم بین‌المللی باید بر اساس عدالت الهی تنظیم شود، نه بر مبنای منافع زورمداران. سازمان‌هایی مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای تخصصی در حوزه‌های گوناگون، ابزارهایی برای پیاده‌سازی سیاست‌ها و حفظ ثبات در نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند.

مؤلفه سوم، هنجارها و اصول رفتاری است که چارچوب اخلاقی و سیاسی روابط بین‌الملل را تعیین می‌کند. مؤلفه اخلاقی نظم بر اساس اخلاق فاضله و تعامل بر مبنای صداقت شکل می‌گیرد، و مؤلفه اقتصادی مبتنی بر اصول اقتصاد اسلامی مانند منع ربا، زکات و عدالت توزیعی است. این مجموعه شامل اصولی مانند حاکمیت دولت‌ها، مداخله نکردن در امور داخلی سایر کشورها، برابری حقوقی دولت‌ها و حل مسالمت‌آمیز اختلافات است.

همچنین، قوانین و مقررات بین‌المللی که شامل معاهدات، کنوانسیون‌ها و قوانین عرفی می‌شوند، چارچوب رسمی و حقوقی نظم بین‌المللی را شکل می‌دهند. مؤلفه سیاسی نظم نیز بر اساس شورا، مسئولیت‌پذیری و خدمت به مردم شکل می‌گیرد. این قوانین به‌طور دقیق رفتار بازیگران را تنظیم کرده و مسئولیت‌ها و حقوق آن‌ها را مشخص می‌کنند.

درنهایت، سازوکارهای اجرایی به‌عنوان ابزارهایی برای تضمین رعایت قوانین و هنجارها شناخته می‌شوند. خواجه نصیر طوسی در بیان مؤلفه‌های نظم جهانی، بر سه اصل تأکید می‌کند: حکمت (که منجر به شناخت صحیح می‌شود)، عدالت (که موجب تقسیم عادلانه می‌شود) و شجاعت (که برای اجرای عدالت لازم است). این سازوکارها می‌توانند به‌صورت تحریم‌های اقتصادی، دیپلماسی فعال، میانجیگری در حل اختلافات و در موارد شدید، استفاده محدود از زور به‌منظور حفظ یا بازگرداندن نظم به کار گرفته شوند.¹⁰

¹⁰ سید صدرالدین موسوی، نورالله قیصری، مجید مطلبی نژاد (1389). تبیین نظم بین‌الملل موجود و نظم بین‌الملل مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

نظریه‌های نظم بین‌المللی

مطالعه نظم بین‌المللی بر پایه چندین رویکرد نظری شکل گرفته است که هر یک، بر جنبه‌ای خاص از این پدیده پیچیده و چندوجهی تمرکز می‌کنند. نظریه‌های مرسوم غربی نظم بین‌المللی (رنالیسم، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و انتقادی) هرچند جنبه‌هایی از واقعیت را بازتاب می‌دهند، اما، دارای کاستی‌های جدی‌اند که از منظر اسلامی قابل نقد هستند.

یکی از برجسته‌ترین این رویکردها، رویکرد رئالیستی است که نظم بین‌المللی را نتیجه توزیع قدرت و منافع ملی دولت‌ها می‌داند. این نظریه با تأکید صرف بر قدرت و منافع ملی، بُعد اخلاقی و معنوی انسان را نادیده می‌گیرد. اسلام هرچند اهمیت قدرت را می‌پذیرد، اما آن را وسیله‌ای برای تحقق عدالت می‌داند، نه هدف. از دیدگاه رئالیست‌ها، ساختار نظام بین‌الملل بر اساس یک وضعیت آنارشیک شکل گرفته است که در آن دولت‌ها به دنبال حفظ بقا و افزایش قدرت خود هستند.

در مقابل، رویکرد لیبرالی بر اهمیت نهادها، قوانین بین‌المللی و همکاری‌های میان‌دولتی در شکل‌گیری نظم بین‌المللی تأکید می‌کند. این نظریه اگرچه بر اهمیت نهادها تأکید دارد، اما مبنای ارزشی آن سکولار و مادی است. نهادهای اسلامی بر اساس تعالیم الهی شکل می‌گیرند. لیبرال‌ها معتقدند که وجود نهادهای بین‌المللی می‌تواند حتی در شرایط آنارشیک نظام جهانی، امکان ایجاد ثبات و همکاری را فراهم سازد. آن‌ها نقش سازنده این نهادها را در کاهش بی‌اعتمادی میان کشورهای و تسهیل حل‌وفصل مسالمت‌آمیز اختلافات برجسته می‌کنند.

رویکرد سازه‌نگارانه یا کنستراکتیویستی، بر اهمیت ایده‌ها، هنجارها و هویت‌ها در شکل‌گیری نظم بین‌المللی تمرکز دارد. این رویکرد هرچند اهمیت ایده‌ها را می‌پذیرد، اما منبع این ایده‌ها را محدود به عقل بشری می‌داند، درحالی‌که در اندیشه اسلامی وحی و عقل مکمل یکدیگرند. از دیدگاه سازه‌نگاران، نظم بین‌المللی فقط بر پایه قدرت مادی شکل نمی‌گیرد، بلکه به‌عنوان یک ساختار اجتماعی بر ساخته می‌شود که از طریق تعاملات و مفاهمه میان بازیگران ساخته و بازسازی می‌شود.

در نهایت، رویکرد انتقادی به ماهیت ایدئولوژیک نظم بین‌المللی و نقش آن در حفظ روابط قدرت موجود می‌پردازد. نظریه‌پردازان انتقادی معتقدند که نظم بین‌المللی نه تنها بازتاب دهنده منافع بازیگران قدرتمند است، بلکه به نوعی به حفظ نابرابری‌ها و استثمار نیز کمک می‌کند.

در مقابل این نظریات محدود، نظریه اسلامی نظم بین‌المللی مبتنی بر اصول جامع‌تری است: نظریه خلافت که انسان را خلیفه خداوند در زمین می‌داند و مسئول عمارت عالم؛ نظریه امامت که ضرورت رهبری عادل را در سطح جهانی مطرح می‌کند؛ نظریه عدالت جهانی که تحقق عدالت در سطح جهان را هدف نهایی می‌داند؛ و نظریه وحدت در تنوع که بر اساس آیه «لتعارفوا» تنوع را وسیله تکامل می‌داند.

تحولات تاریخی نظم بین‌المللی

نظم بین‌المللی در طول تاریخ با تحولات و تغییرات بنیادینی مواجه شده است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری ساختار و عملکرد نظام جهانی ایفا کرده‌اند. روایت مرسوم از تحولات تاریخی نظم بین‌المللی، که از صلح وست‌فاليا آغاز می‌شود، نوعی «اروپا محوری» محسوب می‌شود که از نظام‌های غنی و متنوع دیگر تمدن‌ها غفلت می‌کند.

نقطه آغاز این تحولات در روایت غربی را می‌توان در صلح وست‌فالیای سال ۱۶۴۸ جست‌وجو کرد؛ رویدادی که پایان دهنده جنگ سی‌ساله در اروپا بود و بنیان‌گذار سیستم دولت-ملت‌های مدرن محسوب می‌شود. از منظر تاریخ اسلامی، نظم بین‌المللی دارای سوابق غنی‌تری است که شامل دوره پیامبر(ص) با عقد پیمان‌های بین‌المللی مانند صلح حدیبیه، دوره خلفای راشدین که الگوی حکمرانی عادلانه حتی بر غیرمسلمانان ارائه داد، دوره عباسیان با نظام دیپلماتیک پیشرفته‌ای با امپراتوری‌های دیگر، و دوره عثمانی که قرن‌ها نظم منطقه‌ای پایداری را حفظ کرد.

پس از آن، نظم کنسرت اروپا در دوره‌ای میان سال‌های ۱۸۱۵ تا ۱۹۱۴، به دنبال شکست ناپلئون بنا شد. در این دوره، قدرت‌های بزرگ اروپایی با ایجاد نظام تعادل قوا تلاش کردند تا از بروز جنگ‌های گسترده جلوگیری کنند و ثبات و امنیت قاره را حفظ نمایند.

دوره بین دو جنگ جهانی (۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹) نیز شاهد شکل‌گیری نظامی متفاوت بود که با تأسیس جامعه ملل و تأکید بر امنیت جمعی همراه بود. این نظم جدید با هدف جلوگیری از جنگ‌های آینده و حفظ صلح جهانی طراحی شده بود، اما ناکامی در مهار تهاجمات و بحران‌های سیاسی منجر به شکست آن و آغاز جنگ جهانی دوم شد.

پس از جنگ جهانی دوم، نظم دوقطبی جنگ سرد پدید آمد که جهان را به دو اردوگاه ایدئولوژیک و راهبردی تحت رهبری ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی تقسیم کرد. این دوره که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۱ ادامه داشت، با رقابت شدید سیاسی، نظامی و اقتصادی همراه بود و نظم بین‌المللی را حول دو قطب اصلی شکل داد.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، نظم تک‌قطبی پس از جنگ سرد شکل گرفت و هژمونی ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت جهانی تثبیت شد. این دوره تا حدود سال ۲۰۱۰ ادامه داشت و با تمرکز بر جهانی‌سازی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی و تأکید بر نظم لیبرال بین‌المللی شناخته می‌شود.

امروزه، نظم بین‌المللی در حال گذار است. ظهور قدرت‌های نوظهوری مانند چین و هند، ظهور چالش‌های امنیتی جدید، تحولات سریع فناوری و تغییرات گسترده در روابط اقتصادی و سیاسی جهانی، نظم موجود را به چالش کشیده و نظام بین‌الملل را به سوی ساختارهای پیچیده‌تر و چندقطبی‌تر سوق می‌دهد.

این گذار در حوادث اخیر مانند رقابت راهبردی آمریکا و چین، جنگ تجاری جهانی، و چالش‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ به‌وضوح قابل مشاهده است.^{۱۱}

^{۱۱} خسروی، علیرضا؛ اسدی، علی‌اکبر. (۱۴۰۲). نظم بین‌المللی و سناریوهای آینده. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

تمایز مفاهیم نظم، نظام و ساختار

ضرورت تمایزگذاری مفهومی

یکی از چالش‌های اساسی در مطالعه روابط بین‌الملل، استفاده نامناسب و گاه اشتباه از مفاهیم «نظم»، «نظام»، و «ساختار» است. این سه مفهوم اگرچه در بسیاری از موارد به‌طور مترادف استفاده می‌شوند، اما، دارای تمایزات مفهومی مهمی هستند که درک صحیح آن‌ها برای تحلیل دقیق روابط بین‌الملل ضروری است. این تمایزگذاری در سنت فکری اسلامی نیز اهمیت دارد، چراکه درک دقیق از ماهیت هر یک از این مفاهیم، امکان طراحی نظام‌های عدالت محور را فراهم می‌آورد.

این تمایزگذاری نه تنها از منظر نظری اهمیت دارد، بلکه تبعات عملی مهمی نیز دارد. درک نادرست از این مفاهیم می‌تواند منجر به تحلیل‌های نادقیق از وضعیت موجود بین‌المللی، پیش‌بینی‌های غلط از روندهای آینده، و طراحی سیاست‌های نامناسب شود.¹²

مفهوم نظام¹³

نظام بین‌المللی به مجموع واحدهای سیاسی، بیشتر دولت‌ها، و روابط میان آن‌ها اطلاق می‌شود و به‌عنوان چارچوبی تحلیلی و توصیفی، عملکرد سیستم جهانی، الگوهای تعامل و مکانیزم‌های بازخورد میان بازیگران مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد. یکی از تأثیرگذارترین تحلیل‌ها در این حوزه متعلق به کنت والتز است که در کتاب مهم خود «نظریه سیاست بین‌الملل» (1979) نظام بین‌المللی را از سه سطح اصلی تحلیل می‌کند.

نخست، ساختار سیستم که شامل اصول سازمان‌دهی است؛ در نظام بین‌الملل، اصل آنارشی یعنی فقدان یک حکومت مرکزی یا مرجع عالی که بر تمامی واحدها حاکمیت داشته باشد، مشخصه بارز آن است. در این سیستم، واحدها (دولت‌ها) عملکردهای مشابهی دارند و تمایز میان آن‌ها بر اساس توزیع قابلیت‌ها و منابع قدرت صورت می‌گیرد.

¹² مصطفی مظاهری (1403). تبیین و بررسی مقایسه‌ای مفهوم نظام بین‌الملل با نظام جهانی. جغرافیا و روابط انسانی، 4، 112-131.

System¹³

دوم، ویژگی‌های واحدها که به خصوصیات داخلی دولت‌ها مانند نظام سیاسی، ساختار اقتصادی، فرهنگ سیاسی و منابع قدرت اشاره دارد. این ویژگی‌ها نقش مهمی در تعیین رفتار واحدها در نظام بین‌المللی ایفا می‌کنند.

سوم، تعاملات میان واحدهاست که شامل الگوهای رفتاری نظیر همکاری، رقابت، تعارض و حتی جنگ می‌شود. ویژگی آنارشی، اساساً نظام بین‌المللی را از سایر انواع نظام‌ها متمایز می‌سازد، چراکه در غیاب یک مرجع مرکزی، هر واحد سیاسی مسئول تأمین امنیت و بقای خود است^{۱۴}.

مفهوم ساختار^{۱۵}

ساختار بین‌المللی به شیوه سازمان‌یافتگی نظام بین‌الملل و الگوهای پایدار روابط قدرت میان واحدهای سیاسی، بیشتر دولت‌ها، اشاره دارد. این ساختار به‌عنوان چارچوبی محدودکننده و درعین‌حال امکان‌بخش عمل می‌کند که رفتار بازیگران را در نظام بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌دهد و محدوده انتخاب‌ها و اقدام‌های آن‌ها را مشخص می‌سازد.

از دیدگاه نظریه‌پردازان رئالیستی، ساختار اغلب بر اساس توزیع قابلیت‌های مادی مانند قدرت نظامی، ظرفیت اقتصادی و فناوری تعریف می‌شود. کنت والتز، یکی از نظریه‌پردازان برجسته این رویکرد، ساختار نظام بین‌الملل را بر سه عنصر اصلی مبتنی می‌داند: نخست، اصل سازمان‌دهی که در این نظام، آنارشی است؛ دوم، تمایز عملکردی که به معنای شباهت کارکردی همه واحدهاست؛ و سوم، توزیع قابلیت‌ها که نشان‌دهنده نحوه پراکندگی منابع قدرت میان واحدهای سیاسی است.

اما از منظر سازه‌انگاران یا کنستراکتیویستی، ساختار تنها محدود به عوامل مادی نیست، بلکه شامل عناصر غیرمادی همچون ایده‌ها، هنجارها و فرهنگ‌های مشترک نیز می‌شود. در اندیشه اسلامی، ساختار بین‌المللی باید بر اساس اصول الهی و عدالت شکل گیرد تا بتواند زمینه رشد و تکامل همه جوامع انسانی را فراهم آورد.

^{۱۴} حسین سیاحی (۱۴۰۲). نظام بین‌الملل: مفهوم و تحلیل نظری در روابط بین‌الملل. دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول.

نظم بین‌المللی مفهومی جامع‌تر و پیچیده‌تر از نظام یا ساختار است که نه تنها به الگوهای رفتاری و ساختارهای موجود اشاره دارد، بلکه شامل ابعاد ارزشی و هنجاری نیز می‌شود. از منظر اسلامی، نظم بین‌المللی نه فقط بازتاب توزیع قدرت مادی، بلکه تجلی اصول عدالت، حکمت و مصلحت جمعی است که هدف نهایی آن تحقق خلافت انسان در زمین است.

به عبارت دیگر، نظم بیانگر مجموعه‌ای از ترجیحات، اهداف و آرمان‌هایی است که بازیگران بین‌المللی در راستای سازمان‌دهی روابط و تعاملات خود دنبال می‌کنند. این مفهوم فراتر از فقط وجود ساختار قدرت است و ارزش‌ها و قواعدی را نیز در بر می‌گیرد که چارچوب مناسبی برای رفتار بازیگران ایجاد می‌کند.

هدلی بول، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل، نظم بین‌المللی را بر اساس سه هدف اساسی تعریف می‌کند. نخست، حفظ امنیت و بقا که به معنای تضمین امنیت واحدهای سیاسی و استمرار حیات آن‌ها در محیط پیچیده بین‌المللی است. دوم، حفظ حاکمیت که بر استقلال و حق حاکمیت دولت‌ها تأکید دارد. و سوم، حفظ صلح که به ضرورت ایجاد سازوکارهایی برای پیشگیری از جنگ یا محدودسازی آن اشاره دارد.

جان ایکنبری، نظریه‌پرداز برجسته دیگر، نظم لیبرال بین‌المللی را بر اساس چهار ویژگی اساسی معرفی می‌کند: باز بودگی، متقابل بودن، نهادمندی، و دورنمایی. اما، این تعریف‌های غربی، محدودیت‌هایی دارند که در نظریه اسلامی نظم بین‌المللی رفع شده‌اند¹⁷.

روابط متقابل میان نظم، نظام و ساختار

¹⁶ Order

¹⁷ سید صدرالدین موسوی، نورالله قیصری، مجید مطلبی نژاد (1389). تبیین نظم بین‌الملل موجود و نظم بین‌الملل مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

مفاهیم ساختار، نظام و نظم در مطالعات بین‌الملل هرچند متمایز هستند، اما، رابطه‌ای پیچیده و متقابل با یکدیگر دارند که فهم درست آن‌ها برای تحلیل جامع نظام جهانی ضروری است. ساختار بین‌المللی به‌عنوان زیربنای اصلی، چارچوب کلی و زمینه‌ای را فراهم می‌کند که نظام و نظم بر پایه آن شکل می‌گیرند.

نظام بین‌المللی فرآیندها و مکانیزم‌هایی را نشان می‌دهد که از طریق آن‌ها ساختار عملیاتی می‌شود و بازیگران در تعامل با یکدیگر، روابط و مناسبات مشخصی را شکل می‌دهند. به‌عبارت‌دیگر، نظام نمایانگر شیوه عملکرد و تعامل میان واحدهای سیاسی است که ساختار زمینه آن را تعیین می‌کند.

نظم بین‌المللی به‌عنوان هدف و غایت نهایی این مجموعه دیده می‌شود؛ مجموعه‌ای از قواعد، ارزش‌ها و اهداف که بازیگران در چارچوب نظام و در بستر ساختار موجود، تلاش می‌کنند آن را محقق سازند. در اندیشه اسلامی، این سه مؤلفه باید در خدمت تحقق عدالت الهی و رفاه همه انسان‌ها قرار گیرند.¹⁸

کاربرد عملی تمایزات مفهومی

درک دقیق تمایزات میان مفاهیم ساختار، نظام و نظم بین‌المللی کاربردهای عملی مهم و متعددی دارد که در حوزه‌های مختلف تحلیل و سیاست‌گذاری نقش کلیدی ایفا می‌کند. نخست، در تحلیل سیاست‌های بین‌المللی، تفکیک این سطوح به تحلیلگران کمک می‌کند تا هر سطح را به‌صورت مستقل و دقیق بررسی کنند و از ترکیب نامناسب و کلی‌گویی‌های سطحی جلوگیری شود.

دوم، در طراحی سیاست‌های بین‌المللی، شناخت این تمایزات به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد سیاست‌هایی را تدوین کنند که متناسب با سطح موردنظر مداخله باشند. درنهایت، فهم روابط متقابل میان ساختار، نظام و نظم امکان پیش‌بینی بهتر تحولات آینده در عرصه بین‌المللی را فراهم می‌آورد.

روش‌شناسی بررسی نظم جهانی

¹⁸ مصطفی مظاهری (1403). تبیین و بررسی مقایسه‌ای مفهوم نظام بین‌الملل با نظام جهانی. جغرافیا و روابط انسانی، 4، 112-131.

اهمیت روش‌شناسی در مطالعه نظم جهانی

مطالعه نظم جهانی به دلیل پیچیدگی ذاتی، چندبعدی بودن و تغییرپذیری مستمر آن، نیازمند رویکرد روش‌شناسی دقیق و منسجم است که بتواند ابعاد مختلف این پدیده را به‌درستی تبیین و تحلیل کند. در این زمینه، مسئله اساسی این است که آیا روش‌شناسی‌های غربی قابلیت درک و تحلیل نظم جهانی از منظر تمدن‌های غیر غربی، به‌ویژه تمدن اسلامی را دارند یا خیر.

انتخاب روش‌شناسی مناسب، نه‌تنها کیفیت تحلیل‌ها را افزایش می‌دهد بلکه به‌دقت و اعتبار نتایج پژوهش نیز کمک می‌کند و مسیر فهم عمیق‌تر نظام جهانی را هموار می‌سازد. به‌طور کلی، روش‌شناسی مطالعه نظم جهانی را می‌توان در سه بُعد اساسی بررسی کرد که شامل بُعد هستی‌شناختی، بُعد معرفت‌شناختی و بُعد روش‌شناختی است.

از منظر اسلامی، روش‌شناسی مطالعه نظم جهانی باید مبتنی بر اصول توحیدی باشد که وحی و عقل را مکمل یکدیگر می‌داند و هدف نهایی آن کشف حقیقت و تحقق عدالت است¹⁹.

¹⁹ عارف وفايي، محمد رسول حسن‌يار (1398). رویکردهای مختلف روشی در مطالعات سیاسی اسلام. پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی،

رویکردهای روش‌شناختی اصلی

رویکرد پوزیتیویستی

رویکرد پوزیتیویستی در مطالعات بین‌الملل بر این اصل استوار است که می‌توان با استفاده از روش‌ها و اصول علوم طبیعی، پدیده‌های اجتماعی و سیاسی را نیز به‌طور علمی و عینی مطالعه کرد. این رویکرد، اگرچه در جنبه‌هایی مفید است، اما، محدود به چارچوب مادی‌گرایانه است و از ابعاد معنوی و غیبی واقعیت غفلت می‌کند.

این دیدگاه بر اهمیت داده‌های تجربی، اندازه‌گیری دقیق و تحلیل علمی تأکید دارد و معتقد است که می‌توان قوانین کلی و الگوهای تکرارشونده‌ای را در رفتار واحدهای سیاسی و روابط بین‌المللی شناسایی کرد. یکی از ویژگی‌های اصلی پوزیتیویسم، تجربه‌گرایی است که به معنای تکیه بر مشاهده مستقیم و داده‌های قابل مشاهده و اندازه‌گیری است.

رویکرد پست‌پوزیتیویستی

رویکردهای غیرپوزیتیویستی در مطالعات بین‌الملل شامل طیف گسترده‌ای از روش‌ها و نظریه‌ها هستند که هر یک بر جنبه‌های متفاوتی از واقعیت اجتماعی و سیاسی تأکید دارند. از منظر اسلامی، این رویکردها در جنبه‌هایی که به اهمیت معنا، فهم و تفسیر توجه دارند، قابل استفاده هستند، ولی، نیاز به تکمیل با منابع وحیانی دارند.

تفسیرگرایی به اهمیت معنا، فهم و تفسیر در تحلیل پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد و معتقد است جهان اجتماعی و سیاسی ذاتی با جهان طبیعی متفاوت است. سازه‌نگاری بر نقش ایده‌ها، هنجارها و فرهنگ در شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی تأکید می‌کند. نظریه انتقادی به نقد روابط قدرت موجود و آشکارسازی ساختارهای ستمگر می‌پردازد.

روش‌های جمع‌آوری داده

روش‌های کیفی

روش‌های کیفی در مطالعات بین‌الملل ابزارهای مهمی برای درک عمیق‌تر و جامع‌تر پدیده‌های سیاسی و اجتماعی فراهم می‌کنند. در سنت اسلامی، روش‌هایی مانند تحلیل متن برای درک قرآن و احادیث، و مصاحبه و مشورت برای تصمیم‌گیری جمعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

تحلیل متن با بررسی دقیق اسناد، سخنرانی‌ها، اعلامیه‌ها و متون سیاسی، به کشف معانی، هنجارها و ایده‌های پنهان در آن‌ها می‌پردازد و به‌ویژه برای مطالعه اندیشه‌های سیاسی و تحلیل گفتمان‌های سیاسی بسیار کارآمد است. مصاحبه عمقی نیز از دیگر روش‌های کیفی است که از طریق گفت‌وگوهای ساختارمند یا نیمه‌ساختارمند با کارشناسان، سیاست‌مداران و ذی‌نفعان، نگرش‌ها، انگیزه‌ها و تفسیرهای عمیق‌تر را به دست می‌آورد.

مشاهده مشارکتی، روشی است که در آن پژوهشگر به‌طور مستقیم در محیط‌های سیاسی مانند اجلاس‌ها، مذاکرات و فرآیندهای تصمیم‌گیری حضور یافته و تجربه می‌کند تا از نزدیک فرآیندهای سیاسی را درک نماید. علاوه بر این، مطالعه موردی روشی است که به بررسی دقیق و جامع یک یا چند مورد خاص می‌پردازد و امکان فهم بهتر و عمیق‌تر پدیده‌های پیچیده را فراهم می‌سازد.²⁰

روش‌های کمی

روش‌های کمی در مطالعات بین‌الملل به‌کارگیری فن‌های عددی و آماری برای تحلیل دقیق روابط میان متغیرها و پیش‌بینی روندهای مختلف سیاسی و اقتصادی است. از منظر اسلامی، این روش‌ها در حد ابزار قابل‌استفاده هستند، اما، نباید به‌عنوان تنها معیار حقیقت‌یابی تلقی شوند.

²⁰ مصطفی همدانی، محمدباقر تحریری، محسن خالقی‌موحد، کبری بیون. 1403. درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

یکی از مهم‌ترین این روش‌ها، تحلیل آماری است که با استفاده از ابزارهای آماری، روابط علت و معلولی میان پدیده‌ها را بررسی می‌کند، فرضیه‌ها را آزمون می‌کند و الگوهای تجارت بین‌الملل، تعارضات و همکاری‌ها را شناسایی و تحلیل می‌نماید. روش دیگر، مدل‌سازی ریاضی است که با طراحی مدل‌های کمی، رفتار بازیگران بین‌المللی را شبیه‌سازی کرده و امکان پیش‌بینی نتایج سیاست‌ها را فراهم می‌آورد.

رویکردهای تحلیلی چند سطحی

مطالعه نظم جهانی نیازمند رویکردی چند سطحی است که تمامی ابعاد و لایه‌های واقعیت بین‌المللی را به‌طور هم‌زمان مورد توجه قرار دهد. در سنت اسلامی، این رویکرد چند سطحی در آثار متفکرانی مانند ابن خلدون دیده می‌شود که جامعه را در سطوح مختلف فرد، خانواده، قبیله و امت تحلیل می‌کند.

در این چارچوب، سطح فردی نخستین و بنیادی‌ترین سطح محسوب می‌شود که بر نقش رهبران، تصمیم‌گیرندگان و شخصیت‌های تأثیرگذار تمرکز دارد. سطح ملی، دومین سطح تحلیل است که ویژگی‌های داخلی دولت‌ها را شامل می‌شود. سطح بین‌المللی به ساختار کلی سیستم بین‌الملل اختصاص دارد و بر توزیع قدرت میان دولت‌ها متمرکز است. در نهایت، سطح جهانی فراتر از چارچوب روابط میان دولت‌ها قرار دارد و به فرآیندها و نیروهای فراملی می‌پردازد.²¹

روش‌های تطبیقی و تاریخی

روش‌های تطبیقی و تاریخی ابزارهای مهمی در مطالعه نظم بین‌المللی هستند که به پژوهشگران امکان می‌دهند تفاوت‌ها و شباهت‌های نظم‌های مختلف را در طول زمان و مکان‌های متفاوت تحلیل کنند. از منظر اسلامی، این روش‌ها برای مقایسه نظم اسلامی با سایر نظم‌ها و نیز بررسی تجارب تاریخی حکومت‌های اسلامی بسیار مفید هستند.

²¹ حسین سیاحی. 1402. نظام بین‌الملل: مفهوم و تحلیل نظری در روابط بین‌الملل. دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول

روش تطبیقی بر مقایسه نظم‌های مختلف بین‌المللی در شرایط و بسترهای گوناگون تمرکز دارد و چند نوع اصلی دارد که شامل مقایسه هم‌زمان، مقایسه در‌زمان، و مقایسه موردی است. روش تاریخی نیز نقش حیاتی در درک تحول نظم جهانی ایفا می‌کند و شامل تحلیل تاریخی طولی، تحلیل نقاط عطف، و تحلیل ساختاری-تاریخی است.

نظریه‌های بزرگ و متانظریه‌ها

مطالعه نظم جهانی ارتباط تنگاتنگی با نظریه‌های اصلی روابط بین‌الملل دارد که هر یک دیدگاه متفاوتی نسبت به شکل‌گیری و پایداری نظم بین‌المللی ارائه می‌دهند. این نظریه‌های غربی، هرچند جنبه‌هایی از واقعیت را منعکس می‌کنند، اما از منظر جامعیت و جهان‌شمولی دارای کاستی‌هایی هستند که نیاز به تکمیل و اصلاح دارند.

نخست، نظریه رئالیسم است که بر نقش قدرت، منافع ملی و آنارشی به‌عنوان ویژگی‌های بنیادین نظام بین‌المللی تأکید می‌کند. در مقابل، نظریه لیبرالیسم اهمیت نهادها، قوانین بین‌المللی و همکاری‌های چندجانبه را برجسته می‌کند. سومین نظریه اصلی، سازه‌انگاری است که بر نقش ایده‌ها، هنجارها و فرهنگ در شکل‌دهی به نظم بین‌المللی تأکید دارد.

علاوه بر این نظریه‌ها، اندیشه اسلامی متانظریه‌ای جامع ارائه می‌دهد که شامل عقلانیت الهی (که فراتر از عقلانیت ابزاری غربی است)، تأملی‌گرایی مبتنی بر وحی و عقل، و تاریخی‌گرایی که بر سنت‌های پیامبران و ائمه استوار است²².

²² حسین سیاحی. 1402. نظام بین‌الملل: مفهوم و تحلیل نظری در روابط بین‌الملل. دوازدهمین کنفرانس بین‌المللی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحول

ابزارهای تحلیل ساختاری

تحلیل نهادی یکی از رویکردهای کلیدی در مطالعه نظم بین‌المللی است که به بررسی نقش نهادهای رسمی و غیررسمی در شکل‌گیری و حفظ این نظم می‌پردازد. در اندیشه اسلامی، نهادها نه فقط ساختارهای اداری، بلکه تجلی ارزش‌ها و اصول الهی محسوب می‌شوند.

در چارچوب نهادگرایی تاریخی، تأکید بر مفهوم مسیر وابستگی است؛ به این معنا که انتخاب‌ها و تصمیم‌های گذشته تأثیر قابل‌توجهی بر تحولات و روندهای بعدی نظم بین‌المللی دارند. نهادگرایی انتخاب عقلانی، نهادها را به‌عنوان راه‌حلهایی کارآمد برای مسائل عمل‌جمعی می‌بیند. از سوی دیگر، نهادگرایی جامعه‌شناختی بر نقش نهادها در شکل‌دهی هویت‌ها، منافع و ترجیح‌های بازیگران تأکید دارد.

روش‌های ترکیبی و چند روش

پیچیدگی و چندبعدی بودن نظم جهانی معاصر ضرورت استفاده از روش‌های ترکیبی و چندروشه را به‌وضوح نشان می‌دهد. در سنت اسلامی، این رویکرد ترکیبی در آثار متفکرانی مانند غزالی و فخر رازی دیده می‌شود که از استدلال عقلی، نقلی و تجربی به‌طور هم‌زمان بهره می‌برند.

در این رویکرد، محققان از تلفیق روش‌های کیفی و کمی بهره می‌برند تا تحلیل‌های جامع‌تر، دقیق‌تر و معتبرتری ارائه دهند. یکی از مهم‌ترین فن‌ها در این زمینه مثلث‌سازی است که شامل استفاده از چندین منبع داده، روش جمع‌آوری مختلف یا نظریه‌های گوناگون برای افزایش اعتبار و صحت یافته‌ها می‌شود.²³

²³ عارف وفایی*، محمد رسول حسن یار. 1398. رویکردهای مختلف روشی در مطالعات سیاسی اسلام. پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی.

روش‌شناسی مطالعه اندیشه سیاسی

مطالعه اندیشه سیاسی نیازمند روش‌شناسی خاص و متناسب با ماهیت پیچیده و چندلایه آن است. در سنت اسلامی، هرمنوتیک یا علم تفسیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که برای فهم قرآن، احادیث و آثار متفکران مسلمان به کار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین رویکردها در این حوزه، هرمنوتیک سیاسی است که به علم تفسیر متون می‌پردازد و کاربرد گسترده‌ای در تحلیل اندیشه‌های سیاسی دارد. فرآیند تفسیر در هرمنوتیک به صورت دایره‌ای است؛ به این معنا که فهم متن مستلزم حرکت مداوم میان کل و اجزا، متن و بستر، و پیش فهم و فهم جدید است. در کنار هرمنوتیک، مکتب کمبریج نیز رویکردی برجسته برای مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی ارائه داده است. اما، این مکتب محدود به سنت غربی است و از غنای سنت اسلامی غافل مانده است. این مکتب بر اهمیت درک هر اندیشه سیاسی در بستر تاریخی، اجتماعی، و فرهنگی آن تأکید می‌کند.

چالش‌های معرفت‌شناختی

مطالعه نظم جهانی با چالش‌های معرفت‌شناختی مهمی مواجه است که یکی از بارزترین آن‌ها مسئله نسبیت فرهنگی است. این چالش در اندیشه اسلامی با تأکید بر جهان‌شمولی پیام قرآن و درعین حال احترام به تنوع فرهنگی حل می‌شود.

این چالش حول پرسش‌های بنیادینی درباره امکان دستیابی به درک عینی از نظم بین‌المللی یا ضرورت پذیرش ذهنیت و نسبیت تفسیرها شکل می‌گیرد. در این زمینه، کثرت‌گرایی مفهومی پذیرفته شده است، که بر تنوع معانی و برداشت‌ها در فرهنگ‌های مختلف تأکید می‌کند.

چالش دیگر، مسئله ایدئولوژی و خنثی بودن در تحلیل‌های علمی است. پژوهشگران باید با دقت از جانب‌داری ناخودآگاه و تأثیر پیش‌فرض‌ها و تعصبات شخصی بر تحلیل‌های خود اجتناب کنند²⁴.

²⁴ مصطفی همدانی، محمدباقر تحریری، محسن خالقی‌موحد، کبری بیون. 1403. درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

فناوری و روش‌شناسی نوین

انقلاب دیجیتال و پیشرفت‌های فناوری ابزارهای نوینی را برای مطالعه نظم جهانی فراهم کرده‌اند که امکان تحلیل دقیق‌تر و گسترده‌تر پدیده‌های بین‌المللی را میسر می‌سازند. از منظر اسلامی، این فناوری‌ها امانت‌هایی هستند که باید در خدمت حقیقت‌یابی و عدالت قرار گیرند.

یکی از مهم‌ترین این ابزارها تحلیل کلان داده است که با استفاده از حجم عظیم داده‌های موجود در فضای مجازی، امکان شناسایی روندها و الگوهای سیاسی را فراهم می‌کند. همچنین، تحلیل متن رایانه‌ای با به‌کارگیری الگوریتم‌های پیشرفته به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا متون حجیم و متنوع سیاسی را به‌صورت خودکار بررسی کرده و معانی و الگوهای نهفته در آن‌ها را کشف کنند.

اخلاق پژوهش در مطالعات بین‌المللی

اخلاق پژوهش در مطالعات بین‌المللی نقش اساسی در تضمین صحت و اعتبار فرایند تحقیق ایفا می‌کند. در اندیشه اسلامی، پژوهش نه تنها فعالیت علمی، بلکه عبادتی است که محقق در آن مسئول پاسخ‌گویی به خداوند و جامعه است.

اصول اخلاقی بنیادین شامل رضایت آگاهانه است که به معنای همکاری داوطلبانه و آگاهانه مشارکت‌کنندگان در پژوهش است، همچنین حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی و حساس آن‌ها از دیگر اصول مهم است. در اسلام، حفظ اسرار و امانت‌داری از اصول اخلاقی مهم محسوب می‌شود که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (انفال/27) بر آن تأکید شده است.

روش‌شناسی مقایسه‌ای تمدن‌ها

در عصر جهانی‌شدن، مطالعه نظم بین‌المللی بدون توجه به بُعد تمدنی ناقص است. تمدن اسلامی با داشتن چارچوب جامع برای حکمرانی جهانی، می‌تواند الگوی مناسبی برای نظم عادلانه بین‌المللی ارائه دهد.

تفاوت‌های بنیادین میان تمدن‌ها در نگرش به قدرت، حکمرانی و مفهوم نظم، اهمیت این رویکرد را برجسته می‌کند. در این چارچوب، گفت‌وگوی میان تمدنی به‌عنوان راهی برای درک متقابل و کاهش تنش‌ها مطرح می‌شود و امکان‌سنجی نظم چندتمدنی، تلاشی برای ایجاد نظامی بین‌المللی مبتنی بر تعامل سازنده میان تمدن‌های مختلف است.

روش‌شناسی اسلامی در این زمینه مبتنی بر اصل «تعارف» قرآنی است که تنوع تمدن‌ها را فرصتی برای تکامل متقابل می‌داند، نه تهدیدی برای یکدیگر.

نوآوری‌های روش‌شناختی

نوآوری‌های روش‌شناختی در مطالعه نظم جهانی به‌منظور درک بهتر پیچیدگی‌ها و تحولات این حوزه شکل گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها، توسعه روش‌شناسی بومی است که متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی جوامع اسلامی باشد.

یکی از این نوآوری‌ها، روش‌های ترکیبی نوین است که رویکردهای مختلف را تلفیق می‌کند. برای مثال، ژئوپلیتیک انتقادی با ترکیب تحلیل فضایی جغرافیایی و نقد روابط قدرت، چارچوبی تازه برای بررسی تأثیر مکان و قدرت ارائه می‌دهد.

در کنار این رویکردها، روش‌شناسی پست‌کلونیال نیز به‌عنوان یک نوآوری مهم مطرح است. این رویکرد با نقد مرکزمحوری غربی همسو با نگاه اسلامی است که بر عدالت و مقاومت در برابر استکبار تأکید دارد^{۲۵}.

²⁵ فرهاد قاسمی. 1401. گامی به سوی الگوی نظری نظم پراکنشی - شاخه‌ای در سیاست بین‌الملل نوین. ژئوپلیتیک 1. 289-314.

ارزیابی و اعتبارسنجی

ارزیابی و اعتبارسنجی پژوهش‌ها در مطالعه نظم جهانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش مهمی در تضمین کیفیت و قابلیت اعتماد نتایج دارد. در اندیشه اسلامی، صدق و راست‌گویی در پژوهش از اصول اخلاقی بنیادین است که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/119) بر آن تأکید شده است.

معیارهای اصلی ارزیابی شامل اعتبار داخلی، اعتبار خارجی، اعتبار سازه، و اعتبار محتوا می‌شوند. اعتبار داخلی به دقت و صحت یافته‌ها در چارچوب موارد خاص مطالعه‌شده اشاره دارد. اعتبار خارجی به امکان تعمیم این یافته‌ها به موارد یا موقعیت‌های مشابه دلالت دارد. اعتبار سازه به میزان انطباق مفاهیم نظری با شاخص‌های تجربی مربوط می‌شود. درنهایت، اعتبار محتوا به جامعیت و کامل بودن پوشش موضوع مطالعه مربوط است.

در فرایند ارزیابی از منظر اسلامی، علاوه بر معیارهای علمی، ملاک‌های ارزشی نیز اهمیت دارند که شامل انطباق با اصول اسلامی، خدمت به مصالح جامعه، و نبود تضاد با آموزه‌های دینی است. در فرایند ارزیابی، بازخورد و بازنگری نقش کلیدی ایفا می‌کنند. جامعه علمی به‌عنوان نهادی برای نقد و ارزیابی مستمر پژوهش‌ها عمل می‌کند.²⁶

²⁶ مصطفی همدانی، محمدباقر تحریری، محسن خالقی‌موحد، کبری بیون. 1403. درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

نتیجه‌گیری

این فصل با هدف ایجاد چارچوبی مفهومی جامع برای درک روابط متقابل اندیشه سیاسی و نظم بین‌المللی، مبانی نظری موردنیاز برای پژوهش حاضر را فراهم کرد. از مهم‌ترین دستاوردهای این فصل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یافته‌های کلیدی:

نخست، تمایزگذاری دقیق میان مفاهیم نظم، نظام و ساختار بین‌المللی نشان داد که درک صحیح از این مفاهیم برای تحلیل دقیق روابط بین‌الملل ضروری است. نظام بین‌المللی به‌عنوان مجموع واحدها و روابط آنها، ساختار به‌عنوان الگوی سازمان‌یافته قدرت، و نظم به‌عنوان چارچوب ارزشی - هنجاری حاکم بر این روابط، هر یک نقش متمایز، اما، مکمل در تحلیل جهان سیاست دارند.

دوم، بررسی رویکردهای مختلف به اندیشه سیاسی آشکار ساخت که رویکردهای مرسوم غربی (تاریخی، فلسفی، مقایسه‌ای و زمینه‌ای) هرچند مفید هستند، اما، از محدودیت غرب‌محوری رنج می‌برند. در مقابل، رویکرد اسلامی با ترکیب عقل و وحی، چارچوبی جامع‌تر برای فهم اندیشه سیاسی ارائه می‌دهد.

سوم، تحلیل مؤلفه‌های نظم بین‌المللی نشان داد که این نظم نه‌تنها بر پایه عوامل مادی مانند توزیع قدرت شکل می‌گیرد، بلکه عوامل معنوی، ارزشی و اعتقادی نیز نقش حیاتی در آن دارند. از منظر اسلامی، مؤلفه‌های اعتقادی، اخلاقی و معنوی اهمیتی برابر با مؤلفه‌های مادی دارند.

ضرورت رویکرد اسلامی:

مرور نظریه‌های موجود نظم بین‌المللی (رئالیسم، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و انتقادی) نشان داد که هر یک بر جنبه‌ای خاص تأکید دارند ولی، فاقد نگاهی جامع هستند. نظریه اسلامی نظم بین‌المللی با تأکید بر اصول خلافت، امامت، عدالت جهانی و وحدت در تنوع، چارچوبی جامع‌تر و متوازن‌تر ارائه می‌دهد.

اهمیت روش‌شناسی:

بحث روش‌شناسی نشان داد که مطالعه نظم جهانی نیازمند رویکردی چند سطحی، چندروشه و ترکیبی است که هم از روش‌های کیفی و کمی بهره‌گیرد و هم ابعاد تمدنی را در نظر بگیرد. روش‌شناسی اسلامی با تأکید بر تلفیق وحی و عقل، امکان درک عمیق‌تری از پیچیدگی‌های نظم جهانی فراهم می‌کند.

منابع:

- (1) ابوالحسنی، سیدرحیم. (2023). الگوی تحلیلی رفتار از کنش اجتماعی-سیاسی.
- (2) اسدیان، مرمر؛ موالی‌زاده، سیدباسم؛ حسینی. (2022). بررسی تطبیقی دادگاه عدل اسلامی با دادگاه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، 12(4)، 273-300.
- (3) افشین، ابراهیمی. (2025). تحلیل حقوقی نقش سازمان تجارت جهانی (WTO) در حل و فصل اختلافات تجاری با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، 3(1)، 1-15.
- (4) بیگدلی؛ دهقانی فیروزآبادی؛ برزگر؛ کیهان؛ چگنی‌زاده؛ غلامعلی. (2023). افول نظم بین‌المللی لیبرال از منظر رهیافت‌های نظری مکتب لیبرالیسم. دانش سیاسی، 19(2)، 349-374.
- (5) توحیدفام، محمد. (1382). دولت و دموکراسی در عصر جهانی‌شدن: سیری در اندیشه‌های سیاسی معاصر غرب. روزنه.
- (6) توکلی، احمد. (2006). جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، از ادعا تا واقعیت.
- (7) جلالی. (2010). رویکردی نوین به حقوق تطبیقی و رابطه آن با حقوق بین‌الملل. مطالعات حقوق خصوصی، (40) 2.
- (8) جهان‌بزرگی، احمد. (1388). اصول سیاست و حکومت. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (9) خسروی، علیرضا؛ اسدی، علی‌اکبر. (1400). نظم بین‌المللی و سناریوهای آینده (ویراسته فاطمه پورحسینی). پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (10) خسروی، علیرضا؛ اسدی، علی‌اکبر. (1402). نظم بین‌المللی و سناریوهای آینده. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- (11) خدابخشی؛ حسن‌خانی. (2023). ماهیت‌یابی جنگ روسیه و اوکراین از منظر رئالیسم تدافعی . مطالعات سیاسی، 61(16)، 55-82.
- (12) دکتر منتظر قائم، اصغر؛ تقی‌زاده، کامبیز؛ بیگی‌زاده، مرضیه. (1394-1393). عناصر تشکیل‌دهنده گفتمان سیاسی امام خمینی (س). اندیشه سیاسی در اسلام.
- (13) رحیمیان، رقیه. (1397). جهانی‌شدن و تحدید حاکمیت ملی در کشورهای در حال توسعه. آواز قلم سدید.
- (14) ساوه‌درودی، مصطفی؛ خلیلی، ابراهیم؛ ملکی، عباس. (2013). بحران‌های سیاسی و توسعه سیاسی در ایران.
- (15) ساغری، جواد؛ صفاوردی، سوسن؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ حاتمی، محمدرضا. (1401). مفهوم‌شناسی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، 6، 1983-2004.
- (16) سیاحی، حسین. (1402). نظام بین‌الملل: مفهوم و تحلیل نظری در روابط بین‌الملل. اجلاس بین‌المللی علوم سیاسی.
- (17) عبدی، مهرشاد؛ امیری، مهدی. (2023). قرن آینده-قرن آسیا: فرصت‌ها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران.
- (18) علیرضا-بیگی. (2021). سیاست خارجی بایدن در قبال کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.
- (19) فقیه‌حبیبی، علی. (2022). مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق محیط‌زیست.
- (20) قاسمی، فرهاد. (1401). گامی به سوی الگوی نظری نظم پراکنشی-شاخه‌ای در سیاست بین‌الملل نوین. ژئوپولیتیک، 1، 289-314.
- (21) کرمانیان، رقیه. (1397). جهانی‌شدن و تحدید حاکمیت ملی در کشورهای در حال توسعه. آواز قلم سدید.

- (22) مجید، مطلبی نژاد؛ قیصری، نورالله؛ موسوی، سید صدرالدین. (1389). تبیین نظم بین‌الملل موجود و مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- (23) محمودی کیا؛ فرهادی. (2019). بررسی مقایسه‌ای کنش سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال بحران سوریه. مطالعات روابط بین‌الملل، 12(47)، 151-178.
- (24) مظاهری، مصطفی. (1403). تبیین و بررسی مقایسه‌ای مفهوم نظام بین‌الملل با نظام جهانی. جغرافیا و روابط انسانی، 4، 112-131.
- (25) مشیرزاده، حمیرا. (1395). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل. سمت.
- (26) معصومی، محمدعلی. (1402). کارکردهای سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی. مشرق موعود، 69، 109-132.
- (27) موسوی، سیدمحمدهادی. (1402). الگوی گروه بریکس برای تغییر نظم بین‌المللی. دانشگاه افسری امام حسین(ع).
- (28) میرزایی، محمد. (2022). بررسی تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر افول هژمونی آمریکا. مطالعات بیداری اسلامی، 11(1)، 29-54.
- (29) همدانی، مصطفی؛ تحریری، محمدباقر؛ خالقی‌موحد، محسن؛ بیون، کبری. (1403). درآمدی بر روش‌شناسی اجتهاد در علم اخلاق اسلامی. سمت.
- (30) وفایی، عارف؛ حسن‌یار، محمدرسول. (1398). رویکردهای مختلف روشی در مطالعات سیاسی اسلام. پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی، 35-51.
- (31) طهماسبی، برنا؛ بصیرت‌منش. (2024). هویت فراملی و رویکرد تقابلی جویانه در اندیشه سیاسی امام خمینی(ره). تاریخ‌نامه انقلاب.

(32) حاجی پور؛ رضانی. (2024). راهکارهای قرآن و سنت جهت نهادینه‌سازی اخلاق سیاست در روابط بین‌الملل. پژوهش‌های سیاست اسلامی، 11(24)، 11-39.

(33) غمامی؛ آجرلو. (2018). الزامات تحقق امت اسلامی و گذار از دولت مدرن. حکومت اسلامی، 23(3)، 167-195.

(34) گودرزی، فرشاد. (2025). اینستاگرام به مثابه فناوری مکمل نئولیبرالیسم.